

# سندیکالیسم در ایران بخش ۷

پنجشنبه ۹ تیر ۱۳۹۰ - ۳۰ ژوئن ۲۰۱۱ فرهنگ قاسمی

مواضع احزاب سیاسی درباره حق تشکیل سندیکاهای کارگری و حق اعتصاب

پیروزی انقلاب مشروطه مولود یک سلسله تحولات حقوقی و قانونی در جهت منافع کارگران شد. کارگران و روشنفکران و مردم ترقیخواه به عضویت احزاب و اجتماعات در آمدند.

در این احزاب و اجتماعات حقوق کارگران محروم محترم شمرده می شد و بر اساس مقررات و موازین این اجتماعات، آنها پایگاه‌های سیاسی و اجتماعی خود را یافتند؛ مسئله طبقه و مبارزه طبقاتی طرح گردید.

## فرقه دموکرات

نخستین بار، بطور مدون، در دستورنامه فرقه دموکرات ایران که همان دستورنامه جمعیت اجتماعیون و عامیون مشهد می باشد، نسبت به حقوق کارگران علاقه‌مندی نشان داده شد. ماده چهارم از مرامنامه فرقه دموکرات ایران درباره حق تأسیس سندیکاهای بحث می کند. [i]

” حق اعتصاب، محدود بودن ساعت کار در شبانه‌روز، محدودیت سنی، مسائل مربوط به شرائط کار، وضع درمانی و بهداشت در کارخانه مورد توجه قرار می گیرد، چنانچه در این مرامنامه گفته می شود. ”  
”شناختن” آزادی تعطیل، و از آنجا که در پاره‌ای ممالک حق دستکشیدن از کار، کارگران سلب شده، نمی توانند ” بواسطه تعطیل، تقاضای زیادی مزد و یا کم‌شدن مدت کار بنمایند، مقتدرین و سرمایه‌داران به این خیال نیفتند که در ایران هم این حق مشروع را از کارگران سلب کنند. ” [ii]

اصل دیگر محدود بودن مدت عمل در شبانه‌روز منتهی به ده ساعت است. هشت ساعت کار کافی است تا ده ساعت هم ممکن است، بیش از این حتماً باید ممنوع باشد وگرنه برای حفظ الصحه مضر است.

مزدور بیچاره به سایر کارهای زندگی خودش نمی رسد. بعلاوه کار مزدوری برای بچه‌ای که به چهارده سال نرسیده باشد، ممنوع است. مواظب به ” لوازم عمل و حفظ الصحه کارخانجات ” امری است ضروری؛ مقصود اینکه دولت مراقبت نماید که گاری شکسته مسافر سوار نکند و

چوب بست بنائی محکم باشد، طناب مقنی استحکام داشته باشد، وضع کارگاه‌ها و کارخانجات قسمی باشد که کارگران و مزدوران از ناخوشی مسری مصون بمانند، هفته‌ای یک روز استراحت عمومی و اجباری برای همه افراد تصریح گردد. [iii]

البته بعدها بمرور قسمت کوچک مفاد این دستور، همچنین برخی دیگر از تقاضاهای کارگری جامه عمل می‌پوشد. لیکن هرچه تعداد کارخانجات بزرگ و در نتیجه تعداد کارگران افزایش می‌یابد، نیازهای تازه‌ای برای کارگران پدید می‌آید، که در اثر دست‌یافتن به این نیازها کارگران از طرفی تعلقاتشان به کارخانه زیاد می‌شود و از طرف دیگر نیازهای جدیدتری ظهور پیدا کرده و مطرح می‌شوند. برای اینکه وضعیت کار و کارگری، سازمان و روابط کارگر و کارفرما در جامعه بصورتی رضایت‌بخش ادامه داشته باشد، باید همواره روابط بین نیازهای تازه کارگران و وابستگی‌های آنها به کارخانه مورد مطالعه قرار گیرد و کارگران مبارزات خود را براساس این روابط و نیازها سامان دهند.

#### حزب سوسیال دموکرات (مارکسیست)

این حزب مورد حمایت قشرهای پراکنده کارگری و پیشه‌وران و کسبه شهری آذربایجان بود. در اصل چهارم از اساسنامه حزب سوسیال دموکرات ایران، آزادی حق تشکیل سندیکاها برای کارگران صنایع و پیشه‌وران در نظر گرفته شده است و اضافه گردیده: کارگران با ورود و فعالیت در سندیکا می‌توانند نیازها و مطالبات خودشان را در هر مورد خواستار شوند. آنها میتوانند برای بدست‌آوردن توفیق در برآورده‌ساختن نیازها و مطالباتشان دست به تشکیل تعاونی‌ها " Associations" و سندیکاها بزنند. [iv]

اساسنامه حزب فوق‌الذکر در ماده ۶ درباره حق اعتصاب چنین می‌نویسد: حق اعتصاب یعنی اینکه کارگران روزمزد و دائم اگر بخواهند، می‌توانند برای برطرف ساختن نیازها و مطالباتشان بطور متشکل دست به اعتصاب بزنند. [v]

در ماده ۲، ساعت کار روزانه را برای کارگران صنایع چه کارگر باشند چه شاگرد (کارآموز)، کارمند باشند مثل میرزا یا حسابدار یا استاد کار یعنی برای همه کسانی که مزد بگیرند، ۸ ساعت کار در شبانه روز در نظر گرفته شده است. [vi]

در بند ۷ از ماده ۵ برنامه سازمان انقلابی ایرانیان مجاهد متشکله در مشهد که این فرقه در انقلاب مشروطه نقش عمده‌ای داشت، درباره حق اعتصاب سخن رفته؛ بدین معنا، چنانچه کارگران مایل باشند برای سازماندهی امور خودشان می‌توانند تصمیم به قطع کار (اعتصاب) بگیرند؛ این اعتصاب می‌تواند کوچک یا بزرگ و همگانی باشد. دولت نباید آنها را وادار به بازگشت به کار نماید. بند ۱۲ همین ماده درباره ساعت کار که باید ۸ ساعت در شبانه‌روز باشد، اظهار نظر می‌کند.

در اینجا نیز راجع به حق تشکیل سندیکاها نظری ایراد نمی‌شود. [vii]

### مرامنامه جنگلیها

در هشتمین ماده مرامنامه جنگل که تحت سرفصل " کار " آمده، به محدودیت سنی کارگران، مبارزه با بیکاری و ایجاد و توسعه مؤسسات و تولید شغل و کار و رعایت شرائط بهداشتی در کارخانه‌ها و به هشت ساعت کار روزانه و استراحت هفتگی اشاره شده است. عین این ماده را از قول آقای «ابراهیم فخرائی» نقل می‌کنیم:

- ماده هشتم، کار:

- ممنوع بودن کار مزدوری برای اطفالی که سنشان به ۱۴ سال نرسیده است.

- برانداختن اصول بیکاری و مفت‌خواری بوسیله ایجاد مؤسسات و تشکیلاتی که تولید کار و شغل می‌نماید.

- ایجاد و تکثیر کارخانجات با رعایت حفظالصحه کارگران.

- تجدید ساعات کار در شبانه‌روز منتها به هشت ساعت، استراحت اجباری در هفته یک روز. [viii]

همت: سازمان سوسیال دموکرات مسلمان

در ماده ششم از اساسنامه این سازمان حق اعتصاب آزاد شناخته می‌شود و ذکر می‌گردد: کارگران می‌توانند دست به سازماندهی اعتصابات اقتصادی و سیاسی بزنند و دولت یا کارفرما حق ندارد در مقابل این حق کارگران سدی ایجاد کند.

در ماده هفتم گفته می شود که ساعت کار روزانه ۸ ساعت است و کارگران نباید بیش از ۸ ساعت در شبانه روز کار کنند. [ix]

## حزب عدالت

لازم به تذکر است که در بیانیه نامه فرقه اشتراکیون - اکثریون ایران (کمونیست - بلشویک) عدالت، تنظیم شده در ژوئیه ۱۹۲۱ (اول ذیقعه ۱۳۳۹ قمری) که در مجله دنیا سال سوم شماره ۱ به چاپ رسیده، [x] نه در مورد سندیکاها و نه در مورد اعتصابات، سخنی گفته نمی شود. بعلاوه طبق گزارشی که از نخستین کنگره کمونیستهای ایرانی حزب عدالت در دست می باشد (مجله دنیا و مجله انترناسیونال کمونیست شماره ۱۴، ۱۹۲۰) [xi] در این کنگره نیز نه درباره اعتصاب و نه درباره سندیکاها حرفی در میان نیست. در این دوره اسنادی وجود ندارد تا رسماً موضع حزب عدالت را درباره سندیکاها و حقوق کارگران نشان دهد. اما نقش حزب عدالت در تشکیلات کارگری حائز اهمیت است. ما علل عدم توجه به مسائل کارگری در کنگره نخست حزب عدالت را در فصل بعدی تشریح می کنیم. (میتواند حذف شود)

## نخستین سندیکا و اعتصابهای پی در پی

سندیکاها در اروپا و در کشورهای صنعتی در شکم تعاونیها رشد پیدا کردند و بعد از انقلاب صنعتی سازمانهای خود را گاهی بطور آشکار و زمانی بطور مخفی بوجود آوردند. در ایران علیرغم شرائط اجتماعی و اقتصادی متفاوت با این کشورها، تعاونیها و سازمانهای صنعتی بستر اصلی جریانات سندیکائی بودند. تعاونیهای حرفه‌ای و اصناف در اغلب شهرهای بزرگ ایران از قبل وجود داشتند و فعالیت می نمودند؛ سندیکاها در بطن یا در کنار این تعاونیها و اصناف متشکل گردیدند.

اما نخستین سندیکای کارگری ایران بوسیله کارگران چاپخانه در سال ۱۹۰۶ در زمان نخستین انقلاب همگانی که کارگران چاپخانه‌های تهران تحت نفوذ نیرومند حزب دموکرات نخستین اتحادیه خود را ایجاد کردند، انجام گرفت. [xii]

در همین سال اعتصاب کارگران چاپخانه برای کاهش ساعات کار روزانه تحقق پذیرفت. در نتیجه آن ساعات کار از ۱۴ ساعت به ۹ ساعت در شبانه روز کاهش یافت.

مطالبات کارگران مطبوعه تهران به نقل از نخستین روزنامه کارگران ایران در عصر مشروطیت بنام "اتفاق کارگران" بقرار زیر است:

اول - کارگران نباید در هیچ مطبعه‌ای بیش از ۹ ساعت کار کنند.

دوم - حداقل اجرت و مواجب کارگران مطبعه‌ها در ماه کمتر از ۳ تومان نخواهد بود. کارگرانی که از ۳ الی ۵ تومان مواجب دارند باید صدی پانزده بر حقوق آنها افزوده شود. کارگرانی که از پنج الی ده تومان مواجب دارند، صدی دوازده بر حقوق آنها افزوده خواهد شد. کارگرانی که از ده الی پانزده تومان مواجب دارند، صدی ده. کسانی که از پانزده الی بیست تومان درآمد دارند، صدی هشت. آنهایی که از بیست الی بیست و پنج تومان درآمد دارند، صدی پنج بر حقوق آنها افزوده خواهد شد. حقوق و مواجب کارگران سر موعد باید پرداخت شود.

سوم - کارگری که بدون تقصیر از کار و شغل خود خارج می‌شود هر گاه شش ماه یا بیشتر در خدمت بوده است، صاحب مطبعه باید مواجب پانزده روز علاوه به آن کارگر بپردازد. هرگاه بیش از یکسال سر خدمت بوده باشد باید مواجب یکماه علاوه دریافت نماید. کارگری که بیش از دو سال خدمت کرده باشد، مواجب یک ماه و نیم علاوه دریافت نماید. کارگری که بیش از ۳ سال خدمت کرده باشد باید مواجب دو ماه دریافت نماید. به این طریق بر هر یک سال خدمت مواجب پانزده روز علاوه شود.

چهارم - صاحب مطبعه در صورتی میتواند کارگری را بدون تقصیر از شغل خود اخراج نماید که اقلاً پانزده روز قبل به کارگر اطلاع داده باشد. در صورت فروش مطبعه کارگران به ترتیب سابق بر سر شغل خود باقی خواهند ماند. فروشنده مطبعه باید مواجب علاوه کارگران را مطابق سنواتی که کارگران خدمت کرده‌اند، بپردازد.

پنجم - سلوک و رفتار مدیران و رؤسای مطبعه با کارگران باید به هیچوجه از نزاکت و ادب خارج نباشد.

ششم - هرگاه مطبعه شبکاری مداوم داشته باشد، صاحب مطبعه باید یک دسته کارگر جدید برای شبکاری اجیر نماید. حقوق و اجرت کارگرانی که شبکاری می‌نمایند باید از حقوق معمولی خود یک و نیم علاوه دریافت دارند. کارگرانی که مشغول شبکاری فوق‌العاده می‌شوند، غیر از حقوق روزانه خود باید یک و نیم علاوه دریافت نمایند و به نوبت شبکاری کنند.

هفتم - غیر از اعیاد عمومی هفته‌ای یک روز تعطیل و آسایش اجباری مخصوص هر ملت است.

هشتم - در صورتی که کارگری ناخوش شود باید حقوق یک ماهه به او داده شود. وقتی که کارگر ناخوش معالجه می شود، مجدداً بر سر شغل خود باز گردد.

نهم - هر مطبعه باید دارای طبیب مخصوص خود بوده باشد.

دهم - در صورتی که کارگری در موقع کار مجروح یا معیوب شود، تا مدتی که معالجه شود، باید حقوق خود را دریافت دارد. (بیشتر از سه ماه نخواهد بود).

یازدهم - در صورتی که عضوی از اعضای کارگری در موقع کار معیوب شود، به تصدیق اطباء میزان خسارت وارده تعیین شده حواله خسارت به او داده خواهد شد. میزان و مبلغ خسارتی که به کارگر داده می شود، از طرف مطبعه و نمایندگان اجتماع کارگران تعیین خواهد شد.

دوازدهم - در صورت فوت کارگر در موقع کار باید مبلغی برای امرار معاش عیال و اطفال کارگر متوفی به تصدیق و تصویب اطباء و نمایندگان کارگران و صاحب مطبعه تعیین گردیده و پرداخته شود.

سیزدهم - هر مطبعه باید دارای یک رئیس بوده باشد.

چهاردهم - با رضایت و تصویب صاحبان مطبعه و نمایندگان اجتماع کارگران نظامنامه برای کلیه مطبعه‌ها وضع خواهد شد.

به نقل از "اتفاق کارگران"، اولین روزنامه کارگری ایران، (شماره ۱، جمادی‌الثانی ۱۳۲۸ قمری) [xiii]

در این درخواستها تقریباً کارگران اصول و مبانی قانون کار و رفاه اجتماعی را بیان می کنند و اینها مطالباتی بودند که در آن زمان مورد توجه قرار نمی گرفتند و اصولاً مرجع یا نهادی نیز برای رسیدگی به آن وجود نداشته؛ مطالباتی که بعدها طبق قانون کار بعهد دولت گذارده شد و دولت موظف به اجراء آن گردید اگرچه بدانها عمل نکرد.

در سال ۱۲۸۶ شمسی (۱۹۰۷ میلادی) اعتصابات کارگری و کارمندی دیگری در ایران روی می دهد که مهمترین آنها اعتصابی است که در مارس ۱۹۰۷ میلادی بوقوع پیوست و تبدیل به یک اعتصاب عمومی شد. در این اعتصابات تلگرافچیها درخواست اضافه دستمزد و مطالبات دیگری داشتند. [xiv]

این اعتصاب پس از سه روز با گرفتن اضافه دستمزد و تعهد عدم اخراج اعتصابیون از کار، پایان می یابد؛ درست است که این کارگران نمی توانند به همه خواسته های خود برسند، اما طرح همین مطالبات نشان می دهد که سطح نیازهای کارگران در رابطه با مسائل اجتماعی و شغلی افزایش پیدا کرده است. عنوان نمودن این نیازها و مطالبات زمینه را برای مبارزات کارگری جهت تعالی و ترقی شرائط کار و کارگری و مطالبات اقتصادی و سیاسی و اجتماعی فراهم می سازد و از طرف دیگر نشان می دهد که چگونه کارگران پس از افزایش دستمزد حاضر می شوند از دیگر خواسته های خود صرف نظر نمایند.

«ایوانف» می گوید: " در طی سالهای (۱۲۸۷-۱۲۸۹ شمسی) برابر با (۱۹۰۸-۱۹۱۰ میلادی) در بندر انزلی باربران و قایقرانان اعتصاب کردند؛ در تهران درشکه چی ها و کارگران و کارمندان وزارتخانه ها در اعتصاب شرکت جستند. [XV]

در سال ۱۲۸۹ شمسی (۱۹۱۰ میلادی) کارگران چاپخانه های تهران برای افزایش دستمزد خود دست به اعتصاب دسته جمعی ۱۴ روزه ای می زنند. این اعتصاب را اتحادیه کارگران چاپخانه های تهران رهبری می نمایند. مأموران دولتی برای سرکوبی اعتصابیون اقدام نموده و عده ای از کارگران را دستگیر می نمایند. نمایندگان کارگران برای دستیابی به خواسته های خود در مجلس متحصن می شوند تا اینکه موفق می گردند اضافه دستمزد تقاضا شده را دریافت دارند و رفقای کارگر خود را که دستگیر شده بودند، آزاد سازند. در این ایام سازمانهای کارگران بطور غیرقابل پیش بینی رشد می نمایند. و صنفهای مختلف کارگری به تبعیت از یکدیگر در بدست آوردن حقوق خود که سالها بوسیله کارفرمایان و دولت مستبد از بین رفته بود، قیام می کنند. این اعتصابات خود مقدمه ای می شوند برای اعتصابات کارگری بعدی و همزمان با این جریانات در بعضی دیگر از شهرها، اتحادیه های کارگری دیگری به وجود می آیند و فعالیتهای خود را در رفع نیازهای کارگران صنوف مختلف گسترش می دهند.

در سال ۱۲۹۶ شمسی (آوریل ۱۹۱۷) دو نفر ایرانی از تبریز و جلفا در انجمن کارگران راه آهن روسیه شرکت نموده و طبق قطع نامه ای از حقوق برادران کارگر روسی خود در راه آهن روسیه دفاع می نمایند.

در روز اول ماه مه ۱۹۱۷ میلادی (اردیبهشت ۱۲۹۶ شمسی) ابتداء کارگران چاپخانه های تهران با ۲۰۰۰ عضو برای بهتر کردن وضع اقتصادی خود اعتصاب می کنند. سپس دیگر صنعتگران که دارای سازمانهای کارگری

بودند، به آنها می پیوندند و اعتصاب عمومی فوق‌العاده‌ای روی می دهد. اعتصاب‌کنندگان از جمله تقاضا دارند که ساعات کار از ۹ ساعت به ۸ ساعت در شبانه‌روز تقلیل یابد و در مقابل اضافه کار دستمزد اضافه دریافت دارند. اعتصابات باشکوه کارگران در سال ۱۲۹۶ شمسی، شور و جنبش فوق‌العاده‌ای در تمام گروه‌های مختلف کارگری بوجود می آورد و از طریق سازمان‌های کارگری موجود به کارگران آگاهی‌هایی داده می شود. کیفیت این فعالیت‌ها باعث می شود در تمام شهرهای ایران کارگران فعالیت خود را گسترش دهند و برای بدست آوردن شرایط بهتر کار و زندگی با کارفرمایان مبارزه نمایند. در اواسط سال ۱۲۹۶ شمسی (۱۹۱۷ میلادی) کارگران شرکت نفت جنوب (شرکت سابق انگلیس و ایران) دست به اعتصاب گسترده‌ای می زنند؛ امپریالیسم استثمارگر انگلیس که هرگز انتظار چنین واقعه‌ای را نداشت و بعلل سیاسی و آگاهی‌هایی که در مورد تشکیلات کارگری و سندیکائی داشت، از دادن هرگونه امتیاز اضافی نسبت به کارگران ابا می کند. ابتداء با تهدیدهای شدید و وقتی که از تهدیدهای خود نتیجه‌ای عایدش نمی شود، گروهان سواره نظام خود را همراه با گروه‌هایی از ایلات جنوب برای مقابله با کارگران می فرستد و کارگران نفت جنوب را برای مدتی سرکوب نموده و آنها را به سر کار بر میگرداند. شرح این اعتصاب را در بخش سندیکاهای نفت جنوب می خوانید.

[i] - اساسنامه فرقه دموکرات ایران، ماده چهارم، به نقل از «فریدون آدمیت»، " فکر دموکراسی اجتماعی در انقلاب مشروطیت "، انتشارات پیام، سال ۱۳۵۴، تهران، صفحه ۱۲۵ و ۱۲۶

[ii] - همانجا

[iii] - اثر پیشین.

[iv] - نگاه کنید به اساسنامه حزب سوسیال دموکرات ایران به نقل از اسناد تاریخی..

.Histoire du mouvement ouvrier en Iran

La Social démocratie en Iran

Ed. Maydak P.P. 129-132

[v] - اثر پیشین

[vi] - اثر پیشین



[vii] - نگاه کنید به اساسنامه سازمان انقلابی مجاهد شعبه ایرانی ( متشکله در مشهد ) به نقل از اسناد صفحه ۴۴ تا ۴۶ که خود نقل می شود، از مجله دنیا شماره ۳ سال چهارم.

[viii] - « ابراهیم فخرائی »، " میرزا کوچک خان سردار جنگل "، صفحه ۴۶

[ix] - نگاه کنید به اسناد ... همانجا، صفحه: ۱۲۵

[x] - نگاه کنید به اسناد ... جلد ۱، صفحه: ۶۴ تا ۶۹

[xi] - نگاه کنید به اسناد ... جلد ۱ صفحه: ۷۰ تا ۷۳

[xii] - « سلطانزاده »، " انترناسیونال سندیکاهای سرخ، آوریل و مه ۱۹۲۲، به نقل از " اسناد تاریخی جنبش کارگری، سوسیال دموکراسی و کمونیستی ایران "، جلد چهارم، انتشارات مزدک، فلورانس، ۱۹۷۴، صفحه: ۱۰۸

[xiii] - " اسناد تاریخی جنبش سندیکائی "، انتشارات پادزهر، جلد ۱۱ به کوشش « خسرو شاکری » صفحه: ۱۴۱ - ۱۳۸

[xiv] - « ایوانف »، " تاریخ مشروطیت ایران "، صفحه: ۳۰

[xv] - « ایوانف »، " تاریخ مشروطیت ایران "، صفحه ۳۰ و ۳۱

سندیکالیسم در ایران (بخش اول)

سندیکالیسم در ایران (بخش دوم)

[سندیکالیسم در ایران \(بخش ۳\)](#)

[سندیکالیسم در ایران \(بخش ۴\)](#)

[سندیکالیسم در ایران \(بخش ۵\)](#)

[سندیکالیسم در ایران \(بخش ۶\)](#)